



دکتر مجید غیاث

به کجا چنین شبان

عاشق آن دیده خود می شوی

دورها بینی سراب و می دوی

در خبرها آمده بود که پایان نامه ۲ میلیون تومانی نمره ۱۸/۵ گرفت [۱]. تیرت بسیار کوتاه و ساده بود، ولی بسیار بهت آور، نگران کننده و تاسف آور و حتی غیرقابل درک و باور به نظر می رسد. نگارنده خود چند سال پیش با مقوله مشابهی برخورد داشت. هنگامی که پس از برگشت از خارج کشور با کوله باری از ایده آل‌ها در یکی از دانشگاه‌ها مشغول به فعالیت بودم، موضوع جدیدی را برای پایان نامه به یکی از دانشجویان کارشناسی ارائه کردم. وقتی پس از مدتی، با توجه به عدم تمایل دانشجوی، علت را جویا شدم، وی بیان داشت این موضوع را نمی توان روبه روی دانشگاه پیدا کرد و با توضیحات وی تا حدی با این وضعیت آشنا شدم. امروز با یک پیاده روی از میدان انقلاب تا خیابان ابوریحان و اطراف چهارراه فلسطین انواع کاغذهای تبلیغاتی در زمینه انجام پژوهش های کارشناسی، کارشناسی ارشد و حتی دکترا، نگارش مقالات ISI و مقالات علمی پژوهشی، ارسال و پذیرش مقالات و حتی چاپ مقاله در مجلات با ضریب تاثیر بیش از دو روبه رو می شوید. موسساتی که در این زمینه فعالیت می کنند، به ظاهر کاملاً قانونی بوده و دارای اسم، نشانی و تلفن تماس هستند. آنها به راحتی اقدام به عقد قرارداد و گرفتن تضمین از متقاضی می کنند. در یک مورد مراجعه نگارنده، شخص ارائه دهنده خدمات برای افزایش اطمینان بیان داشت: در هر زمینه و اسم هر استادی را بخواهید در پژوهش و مقاله می آوریم و برای هر نشریه ای که بخواهید پذیرش می گیریم. بیان شد که همکاران از میان بهترین دانشجویان، فارغ التحصیلان ارشد و دکترا، استادیار، دانشیار و استاد تمام هستند و حتی موضوع پژوهشی یا رشته مهم نیست و تنها نرخ آن تفاوت دارد. البته ظاهراً در زمینه های فنی و مهندسی متقاضی زیادی برای انجام پژوهش های بازاری نیست. بیکاری فارغ التحصیلان، کم ارزش شدن فعالیت های پژوهشی، رشد کمی و بی روبه دانشجوی، عدم تناسب تعداد دانشجو با استاد، شرایط بحرانی جامعه، ناامیدی دانشجویان و فارغ التحصیلان، وجود سازوکار تشویق توسط وزارت علوم برای تولید هر چه بیشتر مقالات علمی، تغییر شیوه آزمون ها به شکل چندگزینه ای و فراموش شدن شیوه های تشریحی آزمون و ارزیابی ارتقای کارکنان پژوهشی و اعضای هیئت علمی بر اساس تعداد مقالات به چاپ رسیده، همه به داغ بودن این بازار کمک کرده است. شرط پذیرش مقاله برای فارغ التحصیلان دوره های تحصیلات تکمیلی و نگاه ابزارمدارانه بعضی از اعضای هیئت علمی به این دانشجویان مزید بر علت بوده است. می توان به این فهرست، انتشار مقالات تقلبی به شکل کپی از کارهای دیگران، انتشار مقاله بدون ذکر نام دانشجو یا استاد مربوط یا بدون استناد به پژوهش های قبلی را نیز اضافه کرد. تشخیص نادرست مسئولان وزارتخانه برای ارزیابی و ارتقای سطح دانش کشور صرفاً بر مبنای تعداد مقالات علمی و نه ارجاعات بین المللی به آنها، ضمن اثبات توانایی دانشگاه ها و مراکز پژوهشی در حرکت در مرزهای دانش، معیار نامناسبی را به طور پیش فرض قرار داده است. عدم باور به نیاز انجام پژوهش های کاربرد محور و جدی نگرفتن بودجه پژوهشی (حذف بودجه یک تا سه درصدی پژوهش از لایحه بودجه سال ۹۳) و بی تفاوتی نسبت به اهمیت و جایگاه پژوهش از موارد تاسف آور این داستان است.

به روز کردن معیارهای ارتقای کارکنان بخش های پژوهشی و اعضای هیئت علمی به طور واقع بینانه و لحاظ کردن تاثیر پژوهش های دانشگاهی و پژوهشگاهی بر نیازهای صنعتی کشور، تقویت نقش نظارتی نهادهای تخصصی و علمی مستقل مانند انجمن های صنفی-علمی، کاهش تصدی گری بخش های دولتی در ارزیابی ها، ارائه سازوکارهای واقع بینانه برای بررسی عملکرد علمی و پژوهشی دانشجویان تحصیلات تکمیلی و در نظر داشتن ارجاعات علمی به مقالات ارائه شده به عنوان یکی از معیارهای مفید بودن مقاله می تواند به عنوان راهکارهایی موثر در نظر گرفته شود.

۱- لیلا ابراهیمیان، روزنامه شرق، شماره ۲۰۶۷، پنجشنبه ۲۶ تیر ۱۳۹۳.